



Analyzing the Strategic Transformation of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran in the Transition from the Defensive to the Extra-Territorial Phase: A Case Study of Operation Beit o Moqaddas

mohsen arabi¹

Abstract

The liberation of Khorramshahr on June 23, 1982 (3 Khordad 1361), was not merely a military victory but a fundamental turning point in the strategic evolution of the Iran-Iraq War. This event was the result of a gradual process that began with changes in command structures and led to transformations in combat organization, operational methodologies, and the integration of the regular army's conventional capabilities with the revolutionary capacities of the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC) and Basij forces. The war, which began in September 1980 (Shahrivar 1359) with Iraq's extensive aggression and the occupation of approximately 15,000 square kilometers of Iranian territory, faced military stalemates, failures of conventional operations, weak international diplomacy, and domestic political pressures during its first year. With the dismissal of Abolhassan Banisadr in June 1981 (Khordad 1360), a fundamental transformation occurred in war management. Limited and popular operations, followed by chain operations such as Imam Hassan al-Askari (Thamin al-A'imma), Tariq al-Quds, Fath al-Mubin, and ultimately Operation Beit ol-Moqaddas, not only led to the liberation of most occupied territories but also handed the initiative back to Iran. This article demonstrates that Iran's strategy after the liberation of Khorramshahr was based on three fundamental principles:

¹ Master's student in Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University

Mohsen.arabi69@gmail.com

creating superiority in the balance of war, transferring the battlefield into Iraqi territory, and converting military victory into a political achievement. This strategy, manifested in Operation Ramadan, marked the second phase of the war, shifting it from a defensive phase to an extra-territorial one.

Keywords: Iran, Iraq, Imposed War, Operation Beit ol-Moqaddas, Liberation of Khorramshahr.



تحلیل تحول راهبردی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در گذار از فاز دفاعی به برون‌مرزی؛ مطالعه موردی عملیات بیت‌المقدس

محسن عربی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

چکیده

فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ نه صرفاً به عنوان یک پیروزی نظامی، بلکه به عنوان نقطه عطفی بنیادین در تحول استراتژیک جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود. این رویداد حاصل فرآیندی تدریجی بود که از تغییر در ساختار فرماندهی شروع شد و به تحول در سازمان رزم، بازنگری در شیوه‌های عملیاتی و تلفیق توان کلاسیک ارتش با ظرفیت‌های انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیجی انجامید. جنگی که در شهریور ۱۳۵۹ با تهاجم گسترده عراق و اشغال حدود ۱۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران آغاز شده بود، در سال نخست خود با بن‌بست‌های نظامی، شکست عملیات‌های کلاسیک، ضعف دیپلماسی بین‌المللی و فشارهای سیاسی داخلی مواجه شد. با عزل بنی‌صدر در خرداد ۱۳۶۰، تحولی بنیادین در مدیریت جنگ شکل گرفت. عملیات‌های محدود و مردمی، سپس عملیات‌های زنجیره‌ای ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و در نهایت عملیات بیت‌المقدس، نه تنها به آزادی بخش اعظم سرزمین‌های اشغال شده، منجر شد، بلکه ابتکار عمل را به دست ایران سپرد. این مقاله نشان می‌دهد که استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر بر سه اصل بنیادین استوار شد: ایجاد برتری در موازنه جنگ، انتقال نبرد به خاک عراق و تبدیل پیروزی نظامی به دستاورد سیاسی. این استراتژی که در عملیات رمضان متجلی شد، مرحله دوم جنگ را رقم زد و جنگ را از فاز دفاعی به فاز برون‌مرزی منتقل کرد.

کلیدواژه‌ها: ایران، عراق، جنگ تحمیلی، عملیات بیت‌المقدس، فتح خرمشهر

^۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

جنگ تحمیلی هشت‌ساله، که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تهاجم تمام‌عیار و غیرقانونی ارتش بعث عراق به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، نه تنها معادلات امنیتی خاورمیانه، بلکه نظم جهانی را نیز دگرگون ساخت. صدام حسین با الگوبرداری از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، استراتژی «جنگ محدود و برق‌آسا» را پیش گرفت؛ استراتژی‌ای که بر پایه نابودی سریع نیروی هوایی ایران و پیشروی زرهی طوفانی برای تحمیل شرایط سیاسی در عرض چند هفته طراحی شده بود. عراق با بسیج ۳۷ تیپ رزمی، هفت لشکر زرهی و مکانیزه و حدود ۵۰۰۰ دستگاه تانک، در ماه‌های نخست موفق به اشغال بخش‌های وسیعی از خاک ایران از جمله خرمشهر، بستان، سوسنگرد و قصرشیرین شد. با این حال، اراده پولادین مردم و سپاهیان ایران و اجرای عملیات هوایی مهیب کمان ۹۹ در روزهای نخست جنگ، ضربات جبران‌ناپذیری به نیروی هوایی عراق وارد کرد و مانع از تحقق رویاهای توهم‌آمیز صدام گردید. مقاومت حماسی مدافعان خرمشهر و زمین‌گیر شدن یگان‌های زرهی عراق در باتلاق‌های جنوب، باعث شد راهبرد برق‌آسای دشمن به بن‌بست بخورد و جنگ به مرحله‌ای فرسایشی تبدیل شود که در آن، فداکاری و ایثار ایرانیان بر تکنولوژی برتر متجاوز غلبه یافت.

در سال نخست جنگ، اگرچه ارتش جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های ساختاری ناشی از تغییرات پس از انقلاب مواجه بود و عملیات‌های آفندی اولیه مانند پل نادری، جاده ماهشهر، نصر و توکل با وجود رشادت بی‌نظیر رزمندگان، به دلیل عدم هماهنگی کامل و تجربیات ناکافی، به اهداف کامل دست نیافتند، اما همین نبردها درس‌های ارزشمندی برای فرماندهان نظامی فراهم آورد. همزمان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ورود به عرصه نبرد و اجرای عملیات‌های مردمی و چریکی نظیر امام مهدی (عج)، نشان داد که چگونه می‌توان با اتکا به ایمان، خلاقیت تاکتیکی و روحیه جهادی، موازنه قدرت را به نفع خود تغییر داد.

عزل ابوالحسن بنی‌صدر در خرداد ۱۳۶۰، نقطه عطفی در تحول مدیریت جنگ بود. با انسجام ساختار فرماندهی و انتصاب محسن رضایی به فرماندهی کل سپاه و همکاری نزدیک او با فرماندهان برجسته ارتش چون علی صیاد شیرازی، مدل جدیدی از جنگ ترکیبی شکل گرفت. این هم‌افزایی منجر به طراحی و اجرای چهار عملیات بزرگ و زنجیره‌ای در جبهه جنوب شد: ثامن‌الائمه (شکستن حصر آبادان)، طریق‌القدس (آزادسازی بستان)، فتح‌المبین و بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر). این عملیات‌ها که به صورت یک پازل استراتژیک طراحی شده بودند، در فاصله مهر ۱۳۶۰ تا خرداد ۱۳۶۱ منجر به آزادسازی حدود ۸۵ درصد از اراضی اشغالی و بازپس‌گیری ابتکار عمل از دست دشمن شدند.

سوال اصلی این است که تحول راهبردی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در گذار از فاز دفاعی به برون‌مرزی؛ مطالعه موردی عملیات بیت‌المقدس چه بوده است؟ پس از فتح باشکوه خرمشهر، جمهوری اسلامی ایران در برابر یک تصمیم راهبردی تاریخی قرار گرفت. با وجود فشارهای دیپلماتیک سازمان ملل و هیئت‌های صلح که قطعنامه‌هایی بدون محکومیت صریح متجاوز (مانند قطعنامه ۴۷۹) صادر کرده و تضمینی برای غرامت یا اجرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ارائه نمی‌دادند، ایران تصمیم گرفت که صرفاً به دفاع اکتفا نکند. در مقابل، ارتش عراق با پشتیبانی قدرت‌های جهانی در حال بازسازی توان خود بود. بنابراین، شورای عالی دفاع با تحلیل دقیق میدانی و سیاسی، استراتژی «برتری در معادلات جنگ» را انتخاب کرد. این استراتژی با هدف انتقال نبرد به خاک عراق، ایجاد تهدید مستقیم علیه مراکز حیاتی دشمن (مانند بصره) و تحمیل شرایط مطلوب سیاسی تدوین شد. بدین ترتیب، فتح خرمشهر پایان فاز دفاعی و آغاز فاز برون‌مرزی جنگ بود؛ مرحله‌ای که در آن ایران با عبور از مرزهای بین‌المللی در عملیات رمضان، نه تنها امنیت ملی خود را تضمین کرد، بلکه پیامی قاطع به جهان مبنی بر غیرقابل تسخیر بودن اراده ملت ایران ارسال نمود. مقاله به روش تبیینی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

چارچوب نظری

روابط بین‌الملل در ساختار آنارشیک و بدون حاکمیت مطلق جهانی، فضایی رقابتی را ایجاد می‌کند که در آن دولت‌ها برای کسب امنیت و منافع ملی خود به دنبال انباشت قدرت هستند؛ رویکردی که در مکتب واقع‌گرایی به عنوان مسلط‌ترین نظریه، بر ضرورت موازنه قوا برای جلوگیری از هژمونی و تأکید بر جبرهای تاریخی و نظامی استوار است (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۷۲؛ قادری کنگاوری، ۱۳۸۸: ۳۵). این چارچوب نظری نشان می‌دهد که در غیاب سازوکارهای کارآمد سازمان ملل، دولت‌ها با تکیه بر بازدارندگی و تعادل نیروها، اقدام به تقویت موقعیت تدافعی یا حمله پیش‌دستانه می‌کنند تا بقای خود را تضمین نمایند (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۷؛ غلام حسینی و خواجه، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

در عمل، جنگ تحمیلی علیه ایران نمونه‌ای بارز از این دینامیک‌ها بود؛ تهاجم عراق در شهریور ۱۳۵۹ و تصویب قطعنامه یک‌جانبه ۴۷۹ شورای امنیت که متجاوز را محکوم نمی‌کرد، نشان داد که حقوق بین‌الملل در شرایط بحران ناتوان است و ایران مجبور شد برای حفظ منافع حیاتی خود، راهبرد کسب قدرت نظامی را در پیش گیرد. پذیرش آتش‌بس بدون خروج کامل متجاوز، به معنای تایید تجاوز و تضعیف جایگاه ایران بود، بنابراین تهران با آزادسازی اراضی اشغالی، نه تنها حق دفاع مشروع خود را اعمال کرد، بلکه با ایجاد برتری میدانی، ابزاری قدرتمند برای تحمیل شرایط سیاسی در مذاکرات آینده خلق نمود.

بنابراین، اقدامات ایران پس از فتح خرمشهر و حرکت به سمت استراتژی برون‌مرزی، تجلی عینی نظریه واقع‌گرایی و اصل موازنه قوا در عرصه سیاست خارجی بود. ایران با درک عمیق از ماهیت آنارشیک سیستم بین‌الملل، دریافت که صلح پایدار تنها از طریق برقراری توازن ترس و ایجاد هزینه بالا برای دشمن ممکن است؛ لذا با تبدیل پیروزی نظامی به اهرم فشار سیاسی، تلاش کرد تا ضمن رفع تهدید وجودی، جایگاه خود را در نظم منطقه‌ای تثبیت کند و پیامی قاطع مبنی بر غیرقابل تسخیر بودن اراده ملی ارسال نماید.

نگاهی به تحولات یک سال ابتدایی جنگ

تهاجم عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ مبتنی بر یک محاسبه راهبردی مشخص بود: بهره‌برداری از شرایط پس از انقلاب اسلامی شامل ضعف ساختاری نیروهای مسلح ایران، تصفیه‌های داخلی، و تصور فروپاشی انسجام نظام سیاسی. ارتش عراق توانست پس از آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را به اشغال خود درآورد. در آن برهه ابوالحسن بنی‌صدر رییس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران بود و فرماندهی نیروهای مسلح ایران را بر عهده داشت. او تلاش کرد در سلسله عملیات‌های چهارگانه متکی به ارتش ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ مناطق اشغالی را آزاد سازد و حتی وارد خاک عراق بشود که به دلایل مختلفی نتوانست این مهم را به سرانجام برساند. از اواخر اسفند ماه سال ۱۳۵۹ سپاه پاسداران با سلسله عملیات‌های محدود خود که تا سال بعد آن به ۲۵ عملیات رسید وارد عرصه جنگ شد. از شهریور ماه سال ۱۳۶۰ با برگزیده شدن محسن رضایی به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران سازمان‌های رزم نهاد مزبور شکل گرفت و به تدریج گسترش یافت (علایی، ۱۳۹۱: ۳۵۸).

از مهر ماه سال ۱۳۶۰ سلسله عملیات‌های متوالی و چهارگانه ایران در جبهه‌های جنوبی تحت فرماندهی مشترک سپاه و ارتش طرح ریزی و اجرا شد و تا سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱، ۸۵ درصد از مناطق اشغالی تحت سیطره ارتش عراق آزاد گردید (رشید، ۱۳۹۱: ۴۴). اما ما حاصل بحث این پژوهش از عملیات بیت‌المقدس آغاز می‌شود که ایران قصد داشت در مرحله چهارم این عملیات از مرز بین‌المللی عبور کرده و به شرق استان بصره عراق در روستای تنومه برسد و این شهر را مورد تهدید واقع کند. بنا به دلایلی که در ادامه گفته خواهد شد عبور از مرز در عملیات بیت‌المقدس انجام نشد و به عملیات بعدی یعنی عملیات رمضان موقوف شد.

شهریور ۵۹ تا شهریور ۶۰

ارتش عراق در ساعت ۱۳:۳۰ روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ تهاجم علنی و رسمی خود را به خاک ایران آغاز کرد. در اولین فاز تهاجم گسترده، حملات جنگنده‌های عراقی به فرودگاه‌های ایران از جمله فرودگاه مهرآباد شکل گرفت. (علایی، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

این بمباران‌ها پیش نیاز حرکت واحدهای زمینی عراق به ایران بود و هواپیماهای عراقی در مقام پوشش عمل کردند. پس از پایان موج اول حملات هوایی عراق، تهاجم گسترده قوای زمینی عراق به مرزهای ایران آغاز شد. تجهیزات سازمانی ارتش عراق اغلب ساخت بلوک شرق بود و بر اساس استراتژی زمین پایه طراحی شده بود (کمالی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در حقیقت ستون فقرات ارتش عراق را قوای زمینی آن تشکیل می‌داد که شامل سه سپاه بزرگ بود و بیشتر تجهیزات آن زرهی و توپ‌های صحرایی بود. نیمی از ۴۰۰ هزار نفر نیروی ارتش عراق در نیروی زمینی مستقر بودند و ارتش توانسته بود حدود ۵۰۰۰ تانک و نفر بر را در هفت لشکر زرهی سازماندهی کند. البته بعدها عراق با خرید گسترده تجهیزات موشکی و هواپیماهای جنگی مثل میراژ اف ۱۲۰۰۰ توانست در این بخش نیز خود را تقویت کند و در پایان جنگ با ایران متکی بر نیروی هوایی خود بشود. مبانی استراتژی نظامی ایران بر اساس پیمان سنتو استراتژی هواپایه قرار گرفته بود و همین امر نبرد را در مرزهای زمینی با عراق سخت ساخته بود. البته در همان روز اول و به خصوص در روز دوم آغاز جنگ نیروی هوایی ارتش ایران دست به کار بزرگی زد. آن‌ها عملیات کمان ۹۹ را با اجرای ۱۴۰ فروند جنگنده خود به اجرا در آوردند و پایگاه‌های الحریه در کرکوک، الدجیل در شمال بغداد و پایگاه‌های بصره، ناصریه، البکر و الکوئ را به شدت بمباران کردند و در پنج روز اول جنگ ۹۱۱ نوبت پرواز جنگی انجام دادند که خود از عواملی بود که روحیه فرماندهان عراقی متزلزل بشود همان، (۲۳۶).

ارتش عراق از بعد از ظهر ۳۱ شهریور با ۳۷ تیپ رزمی و با عبور از خط مرزی به منظور اشغال بخش‌هایی از خاک ایران شروع به تهاجم کرد. در این مرحله از تهاجم که تا ۲۶ آبان

به طول انجامید ده شهر از جمله خرمشهر، بستان، سوسنگرد، هویزه، دهلران، قصر شیرین، و نفت شهر، آبادان و بیش از ۱۰۰۰ روستا را به تصرف و محاصره در آورد و توانستند ۱۵۰۰۰ کیلومتر از خاک ایران که عمدتاً مناطق سوق الجیشی بودند را اشغال کند. استراتژی عراق در این مرحله "جنگ محدود و برق آسا" بود که پس از یک هفته نبرد سنگین و فشرده و زمین گیر شدن در جبهه‌های جنوب به این موضوع پی بردند که نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد و تن به یک جنگ فرسایشی سپرد. عراق سه جبهه عمده در شمال غرب، غرب و جنوب برای جنگ با ایران گشوده بود. جبهه جنوبی جنگ نیز خود به سه بخش جبهه شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شد (درودیان، ۱۳۸۲: ۵۰).

جبهه جنوبی برای عراق اهمیت فراوانی داشت و سپاه سوم خود را مأمور به درگیری در این منطقه کرده بود. تصرف ساحل شمالی اروندرود و اشغال خوزستان می‌توانست عراق را خیلی سریع به اهداف مورد نظرش برساند و اراده خویش را بر ایران تحمیل کند اما در نهایت توانستند فقط یک چهارم استان خوزستان را به اشغال خود دریاورند. هرچند در فاصله روزهای یکم تا پنجم مهر ماه ظرف پنج روز شهرهای سومار، نفت شهر، مهران، موسیان، بستان و قصر شیرین را به تصرف خود درآورد. شهرهای دزفول، شوش، اندیمشک و اهواز نیز در خطر سقوط قرار گرفتند و با سقوط سوسنگرد خطر سقوط اهواز بیش از پیش احساس می‌شد (رشید، ۱۳۹۱: ۵۴). به همت شهید غیور اصلی که از تکاوران ویژه ارتش بود و برای مأموریت به سپاه آمده بود و پاسداران شهر و همچنین پشتیبانی هلی کوپترهای کبرای هوانیروز ارتش، سوسنگرد که در سی و یک کیلومتری شهر بستان قرار داشت آزاد شد و ارتش عراق به عقب رانده شد.

در جبهه شمالی خوزستان ارتش عراق در تاریخ ۱۵ مهر ماه به دهلران حمله کرد اما با مقاومت نیروهای ارتش ایران که بالغ بر چهار گردان بودند مواجه شد. اما بار دیگر در ۲۱ مهر ماه به دهلران حمله ور شد و توانست آن را به اشغال در بیاورد.

عراق در جبهه جنوبی خوزستان در همان روزهای اول توانسته بود از مرز طلایه - کوشک عبور کند و شهر هویزه را تصرف کند. آن‌ها به وسیله لشکر ۵ خود و تیپ هشت پیاده مکانیزه

لشکر سه، توانسته بودند بخشی از جاده اهواز - خرمشهر را تصرف کنند و تا نزدیکی اهواز پیش بیایند که با مقاومت رزمندگان مواجه شدند و در جنگل‌های گمبوعه در جنوب اهواز متوقف شدند. همچنین آنها توانستند پس از عبور از رودخانه کارون، جاده اهواز - آبادان را اشغال و مسدود کنند و چند روز بعد نیز توانستند جاده آبادان - ماهشهر را نیز مسدود کنند (خرمی، ۱۳۸۷: ۷۷).

در جبهه شمال غرب سپاه یکم عراق به وسیله لشکرهای ۴ و ۷ مأموریت پیدا کردند که معابر مهم این منطقه به تصرف و اشغال در بیاورد و ارتباط نیروهای ایرانی را با نیروهای کرد عراقی ضد رژیم بعث قطع بکند. در این محور برخی تپه‌های مهم مرزی در منطقه حاج عمران و همچنین ارتفاع ۱۸۶۴ در منطقه قوچ سلطان و ارتفاعاتی در منطقه پنچوین به تصرف در آمد. همچنین نوسود نیز در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۹ به تصرف عراق در آمد. بدین ترتیب سه سپاه بزرگ عراق در سه جبهه با ایران درگیر شدند.

اشغال خرمشهر، محاصره آبادان

اشغال شهر خرمشهر برای صدام و ارتش عراق بسیار حائز اهمیت بود زیرا به دست آوردن خرمشهر به منزله موفقیت آنها در جنگ با ایران به شمار می‌رفت (انصاری؛ نخعی؛ درودیان، ۱۳۹۰: ۲۰). آن‌ها با تصرف خرمشهر می‌توانستند بخش مهمی از اروند رود را به تصرف درآورند و می‌توانستند با به دست آوردن خرمشهر به آبادان و اهواز نیز دست پیدا کنند. ارتش عراق از بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور ماه آتش سنگین خود را بر روی شهر خرمشهر گشود. حمله زمینی عراقی‌ها به خرمشهر از غرب این شهر آغاز شد. آن‌ها برای فتح خرمشهر یک گردان نیروی کماندویی در نظر گرفته بودند اما در نهایت بیش از دو لشکر نیرو وارد خرمشهر شد. در روز ۱۹ مهر ماه ارتش عراق توانست جاده‌های خرمشهر - اهواز و اهواز - آبادان را مسدود کند و خرمشهر را به محاصره در بیاورد (همان، ۳۱۶).

۳۴ روز درگیری سخت و طاقت فرسا میان نیروهای ایرانی که در داخل خرمشهر بودند با عراقی‌ها شکل گرفت که بیشترین مقاومت رزمندگان در روز ۲۴ مهر ماه بود و آن روز

خرمشهر تبدیل به خونین شهر شد. سرانجام خرمشهر در روز چهار آبان به تصرف ارتش عراق در آمد. ارتش عراق برای به دست آوردن خرمشهر ۱۵۰۰ نفر تلفات داد و ۴۰۰۰ نفر زخمی روی دستشان گذاشته شد. حدود ۱۰۰ تانک و نفر بر نیز از بین رفت (حیبی، ۱۳۹۳: ۸۱).

محاصره آبادان

در تاریخ ۱۹ مهر ماه به لشکر ۳ عراق دستور رسید که خرمشهر و آبادان را محاصره کنند. پل پی. ام. پی^۱ ساخت شوروی^۲ در کارون به کمک ارتش عراق آمد و آنها توانستند در طول یک شب تیپ ۶ زرهی سازمانی، تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ و عناصری از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را از رودخانه کارون عبور بدهند. آن‌ها یک پل دیگر هم بر روی رودخانه کارون در سلمانیه واقع در بیست کیلومتری آبادان نصب کردند و توانستند ده کیلومتر از جاده آبادان - ماهشهر را به تصرف خود در بیاورند. رزمندگان و نیروهای ارتش تلاش زیادی انجام دادند - با به تصرف درآمدن کوی ذوالفقار به دست ارتش عراق، محاصره آبادان در روز دهم آبان ماه ۱۳۵۹ کامل شد. در مجموع ارتش عراق سرپلی به وسعت حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع را در شرق رودخانه کارون و در شمال شهر آبادان تصرف کرده بود (علایی، ۱۳۹۱: ۲۲۰) عراق اگر می‌توانست جزیره آبادان را تصرف کند، معادلات صحنه جنگ به کلی تغییر می‌کرد و می‌توانست معاهده سال ۱۹۷۵ میلادی را تغییر بدهد و اروند رود را شط العرب بنامد. اما مقاومت رزمندگان و مردم آبادان تا شکسته شدن حصر این شهر باعث شد عراق این خیال باطل را از ذهن خود بیرون کند.

1. Paul ppm

2. Soviet Union

مواضع ضعیف سازمان ملل متحد

در آغاز تهاجم عراق به ایران، سازمان ملل متحد با بی‌طرفی ظاهری و نادیده گرفتن واقعیت تجاوزگری صدام حسین، اقدامی ناکارآمد انجام داد. دبیرکل سازمان ملل در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، بدون تمایز قائل شدن بین متجاوز و مجاهد، پیشنهاد «مساعی جمیله» برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف را به هر دو طرف داد که این رویکرد، مشروعیت حمله عراق را تقویت می‌کرد. شورای امنیت نیز در روز دوم جنگ، صرفاً با صدور بیانیه‌ای مبتنی بر «نگرانی از وضعیت»، وارد عمل شد و درخواست ایران مبنی بر انتخاب الجزایر به عنوان میانجی‌گر محترم شمرده نشد (دری، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

نقطه اوج بی‌عدالتی سازمان ملل، تصویب قطعنامه ۴۷۹ در تاریخ ۶ مهر ۱۳۵۹ بود. این قطعنامه که تحت فصل ششم منشور ملل متحد صادر شد، فاقد هرگونه اشاره به مسئولیت متجاوز یا اشغالگری عراق بود و تنها به توصیه توقف خشونت و حل اختلافات بر اساس اصول کلی بسنده کرد. این رویکرد، عملاً گامی مؤثر برای جلوگیری از جنگ یا تحمیل هزینه بر عراق نبود و به جای حمایت از حق دفاع مشروع ایران، تعادل کاذبی ایجاد کرد (دری، ۱۳۹۰: ۱۲۱). صدام حسین که پیشروی‌های اولیه خود را تثبیت کرده بود، با پذیرش ظاهری این قطعنامه، آن را ابزاری برای تثبیت اشغالگری و شروع مذاکرات از موضع قدرت دانست؛ مذاکراتی که بر سه محور آتش‌بس زودهنگام، تغییر معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و عقب‌نشینی مشروط به توافق‌های بعدی استوار بود.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران با درک عمیق از ماهیت غیرقانونی این قطعنامه، آن را رد کرد. دولت ایران استدلال نمود که پذیرش آتش‌بس بدون خروج کامل نیروهای متجاوز، منافع ملی و امنیت کشور را به خطر می‌اندازد و سازمان ملل نیز به دلیل روابط نامناسب با انقلاب اسلامی، نتوانسته است نقش بی‌طرفانه و عادلانه ایفا کند. در پاسخ به این بی‌عدالتی بین‌المللی، شهید محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر وقت ایران، طرح سه‌ماده‌ای ایران را در

سازمان ملل ارائه داد که شامل موارد زیر بود: ۱. فراخواندن فوری و کامل تمامی نیروهای عراقی از خاک اشغالی ایران. ۲. اعلام آتش‌بس پس از خروج کامل متجاوز. ۳. حضور ناظران سازمان ملل در مرزهای مشترک برای تضمین اجرای توافق.

این طرح که پاسخی قاطع به درخواست‌های ناعادلانه صدام و سکوت سازمان ملل بود، مورد استقبال قرار نگرفت، اما نشان‌دهنده عزم راسخ ایران برای دفاع از تمامیت ارضی و حقوق بین‌المللی بود (اردستانی، ۱۳۹۲: ۴۳-۴۲).

مقاومت، دفاع و بیرون راندن عراق از خاک ایران

ارتش عراق در چهار ماه نخست جنگ، با بهره‌گیری از برتری آتش و تجهیزات، موفق شد نوار مرزی گسترده‌ای از شمال قصرشیرین تا جنوب آبادان، شامل ساحل کرخه و مناطق غرب کارون را اشغال کند؛ اما این پیشروی زود هنگام به دلیل مقاومت سرسختانه و غیرمنتظره رزمندگان ایرانی متوقف گردید. در واکنش به این تهاجم، ارتش جمهوری اسلامی ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ چهار عملیات آفندی پل نادری، جاده ماهشهر، نصر و توکل را با شجاعت اجرا کرد. اگرچه این عملیات‌ها مبتنی بر تجارب آموزشی قبل از انقلاب بودند و با چالش‌های ساختاری مواجه شدند، اما نقش حیاتی آن‌ها در تثبیت خطوط دفاعی و جلوگیری از فروپاشی کامل جبهه‌ها انکارناپذیر است (علایی، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

عملیات پل نادری در ۲۳ مهرماه با فرماندهی تیمسار ظهیرنژاد و هدف بیرون راندن دشمن از غرب کرخه آغاز شد. لشکر ۲۱ حمزه علی‌رغم کمبود شدید نیرو و تجهیزاتی که هنوز تکمیل نشده بود، با جسارت تمام به مصاف دو لشکر مجهز عراق رفت و توانست در مرحله اول، دشمن را هفت کیلومتر عقب براند. اگرچه پاتک سنگین عراق باعث شد لشکر ۲۱ دچار تنش شود و تنها یک سرپل محدود حفظ گردد، اما این حضور پرآوازه مانع از عبور ارتش عراق از رودخانه کرخه در آذرماه شد. در این نبرد حماسی، بیش از ۴۰۰ شهید و

مجروح از جمله ۶۰ تانک چيفتن (که انگلستان در ابتدا از تحویل آن‌ها خودداری کرده بود) به غنیمت یا نابودی درآمد که نشان‌دهنده هزینه سنگینی بود که دشمن برای هر قدم پرداخت (دهقان، ۱۳۹۳: ۳۱). در سوم آبانماه، عملیات جاده ماهشهر با هدف بازگشایی راه حیاتی ارتباطی و شکستن محاصره آبادان با نیرویی معادل یک تیپ انجام شد. نیروهای ایرانی در روز اول با موفقیت خط مقدم دشمن را در هم شکستند و او را عقب راندند. اگرچه پاتک‌های بعدی و فقدان اطلاعات دقیق منجر به عقب‌نشینی تاکتیکی شد، اما این فشار مداوم باعث شد ارتش عراق حدود ۴۸ ساعت در این محور متمرکز بماند. این فرصت طلایی به گردان ۱۵۳ ارتش اجازه داد تا وارد آبادان شود و حمله مستقیم عراق به این شهر استراتژیک را خنثی سازد که دستاوردی بزرگ برای دفاع از جزیره آبادان بود (درویدیان، ۱۳۹۳: ۱۶۶). عملیات نصر (کرخه کور) در ۱۵ دیماه نقطه عطفی در همکاری ارتش و سپاه بود. این عملیات با طراحی شهید فلاحی و مشارکت یگان‌های سپاه و لشکر ۱۶ زرهی قزوین آغاز شد. مرحله اول با پیروزی کامل همراه بود و لشکر ۱۶ زرهی قزوین توانست یک تیپ کامل مکانیزه عراق را در دام بیندازد و حدود ۸۰۰ نفر از آن‌ها را اسیر کند. در روز دوم، با وجود برتری نسبی تانک‌های تی-۷۲ شوروی و استفاده عراق از موشک‌های ضدتانک مالیوتکا، نیروهای ایرانی با ایثارگری فراوان مقاومت کردند. اگرچه به دلیل تفاوت سطح تکنولوژی و برنامه‌ریزی برای اهداف بزرگ با استعداد محدود، نیروها به مواضع اولیه بازگشتند، اما شهادت ۱۶۰ رزمنده و انهدام سه فروند هواپیما و شش خلبان نشان‌دهنده اراده پولادین و توانایی ایجاد تلفات سنگین برای دشمن بود (درویدیان، ۱۳۸۲: ۸۱). پس از این درگیری‌ها، عراق در ۱۷ دیماه توانست جاده هویزه-سوسنگرد را تصرف کند، اما این موفقیت موقتی بود. عملیات توکل نیز در ۲۰ دیماه با همان روحیه جهادی اجرا شد و علی‌رغم عدم دستیابی به اهداف اولیه به دلیل شرایط سخت، بخشی از تلاش‌های مستمر و پیوسته نیروهای مسلح برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی را رقم زد (رشید، ۱۳۹۱: ۳۳).

عملیات‌های محدود ایران و ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه جنگ

در این زمان لزوم تغییر در تاکتیک و شیوه جنگیدن با دشمن احساس می‌شد و باید در دستور کار قرار می‌گرفت. لذا تعیین راهبرد نظامی، استعداد نیروی کافی برای مقابله با دشمن و همچنین طرح ریزی عملیات هوشمندانه در اولویت قرار گرفت. سپاه نیروهای بسیجی و خط شکن بسیاری داشت که از داشتن آتش توپخانه بی بهره بودند و ارتش نیز پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی فراوانی داشت که می‌توانست در کنار سپاه عملیات‌های بزرگی را انجام بدهد که نتایجاً در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ نیز شاهد آن اتفاق بودیم. در ۲۶ اسفند سال ۱۳۵۹ عملیاتی تحت عنوان امام مهدی عج الله در غرب سوسنگرد با هدف انهدام دشمن به اجرا درآمد. سپاه با کمک آتش توپخانه ارتش موفق به اجرای این عملیات شد به طوری که طرح ریزی، فرماندهی و اجرای آن به عهده سپاه بود و در آتش پشتیبانی از ارتش کمک گرفته شد. از این عملیات به عنوان نقطه عطفی در تاریخ جنگ نام برده می‌شود زیرا سازمان رزم سپاه و ارتش با یکدیگر ادغام شدند و به ترکیب جدیدی دست یافتند (حبیبی، ۱۳۹۰: ۴۶). همچنین نیروهای جنگ نا منظم به فرماندهی شهید دکتر مصطفی چمران و نیروهای فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سید مجتبی هاشمی در منطقه اهواز و آبادان مستقر شدند و توانستند کمک زیادی انجام بدهند. در مجموع این تفکر جدید باعث پدید آمدن تحول جدید در جبهه‌ها شد. البته باید اشاره کرد که در بهمن ماه ایران یک عملیات محدود به نام ضربت ذوالفقار در جبهه میانی در ارتفاعات میمک به فرماندهی ارتش و کمک سپاه و هوانیروز انجام داد که به موفقیت نسبی دست یافت.

در مجموع از اسفند ماه ۱۳۵۹ تا مهر ماه سال ۱۳۶۰ ه ش ۲۵ عملیات محدود طرح ریزی و اجرا شد که نیروهای مردمی در طرح ریزی، فرماندهی و اجرا نقش محور را ایفا می‌کردند و بعداً این عملیات‌ها به نام عملیات‌های مردمی نیز معروف شد.

باز هم در سال ۱۳۶۰ هیئت صلحی متشکل از کشورهای عضو سازمان غیر متعهدا وارد ایران شدند و با مقامات کشور ایران دیدار کردند اما باز هم راه به جایی نبردند. همچنین در روز ۳۱ خرداد نیز دوباره اولاف پالمه که علاقه زیادی برای پایان دادن به جنگ از خود نشان می‌داد به ایران سفر کرد و با هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس سابق ایران دیدار کرد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۴۱)

در اواخر سال ۱۳۶۰ و پس از عملیات‌های ثامن الائمه و طریق القدس بود که آقای پالمه طرح صلح جدیدی را به ایران ارائه داد. اما بار دیگر به دلیل اختلاف نظر میان مقامات ایران و مواد طرح‌های ایشان، مذاکرات به نتیجه مشخصی دست نیافت. در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ بود که روسای جمهور گینه، پاکستان، بنگلادش و نخست وزیر ترکیه و دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی به تهران سفر کردند و خواستار پذیرش آتش بس شدند و از طرف صدام حامل پیامی بودند. صدام به آنها گفته بود پس از پذیرش آتش بس، مذاکرات درباره اروند رود شروع می‌شود و سپس نیروهای عراقی از خاک ایران خارج خواهند شد. اما بار دیگر ایران شروط قبلی خود به علاوه بازگشت اسیران به کشور را مطرح کرد.

عملیات فرماندهی کل قوا

در کنار عملیات‌های موفق ایران از انتهای اسفند ماه که شروع تحولات در استراتژی نظامی بود و راهبرد فرصت ندادن به دشمن جایگزین واگذاری زمین و خریدن زمان شده بود، تا خرداد ماه سال ۱۳۶۱ تحولات سیاسی نیز در تهران پایخت ایران به سرعت در حال انجام بود. نیروهای انقلابی با بنی صدر درگیر شدند و تحرکات سازمان مجاهدین خلق و بنی صدر باعث شد آشوب‌های خیابانی در تهران به منتهی الیه خود برسد. امام خمینی (ره) در تاریخ بیست خرداد ماه سال ۱۳۶۰ طی نامه‌ای به ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا خبر داد. پس از عزل وی از این منصب، فشار درباره کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس شورای اسلامی ایران زیاد شد. در نهایت در روز

۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ با رأی ۱۷۷ نماینده مجلس ایران، عدم کفایت سیاسی بنی صدر احراز شد و او از مقام ریاست جمهوری نیز خلع شد (پارسادوست، ۱۳۸۷: ۷۱).

اما عملیات فرماندهی کل قوا از آن جهت دارای اهمیت است که یک روز پس از عزل بنی صدر توسط پاسداران مستقر در دارخوین انجام شد. این عملیات هشت روز به طول انجامید و برای نخستین بار در این عملیات همزمان با تک، برای پدافند از منطقه تصرف شده، شبانه خاکریز زده شد، از این رو با وجود واکنش‌های شدید عراقی‌ها، منطقه آزاد شده تثبیت گردید. این عملیات هشت روز به طول انجامید حدود صد تن از نیروهای سپاه شهید شدند. همچنین لازم به ذکر است نام این عملیات بنا بر پیشنهاد فرمانده سپاه خوزستان فرمانده کل قوا - خمینی روح خدا نام گذاری شده بود. نبردهای محدود در این مدت توانسته بود بیست درصد از مناطق اشغالی کشور را بازگرداند و اعتماد به نفس رزمندگان را دوچندان کند. عملیات‌های شهید چمران، تپه ۳۳۲ و عملیات شهیدان رجایی و باهنر نیز در مرداد ماه و شهریور ماه همان سال انجام شد (رشید، ۱۳۹۱: ۴۰).

تحولات ۹ ماه پایانی سال ۱۳۶۰ هجری شمسی

تحولات شکل گرفته در نه ماهه پایانی سال ۱۳۶۰، این سال را به یکی از مهمترین برهه‌های تاریخ جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است. برکناری ابوالحسن بنی صدر در خرداد ماه باعث تحول در جنگ و آغاز رویکرد جدید در مقابله با ارتش رژیم بعث عراق شد (همان، ۴۴). در این موقعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتصاب محسن رضایی در تاریخ بیستم شهریور ماه به فرماندهی خود به سطح مطلوبی از انسجام رسید. با انتصاب محسن رضایی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که تا آن روز بیشتر توان خود را معطوف به مسائل فرهنگی و امنیتی کرده بود، گرایش به سمت نظامی‌گری را به صورت جدی آغاز کرد و ضمن گسترش سازمان رزم خود، استعداد گردان‌های مستقل را تا سطح تیپ افزایش داد و امکان جذب نیروهای داوطلب بسیجی را فراهم آورد (همان، ۴۴).

از مهر ماه سال ۱۳۶۰ تا خرداد ماه سال ۱۳۶۱ چهار عملیات بزرگ و سرنوشت ساز شکل گرفت. این چهار عملیات تماماً در سرزمین‌های جنوبی درگیر با عراق شکل گرفت (درودیان، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

عملیات ثامن الائمه

نخستین عملیات از سلسله عملیات‌های چهارگانه ثامن الائمه نام داشت که در شمال آبادان به منظور شکستن حصر آبادان شکل گرفت. عملیات ثامن الائمه در ساعت ۱ بامداد پنجم مهر ماه ۱۳۶۰ با فرماندهی مشترک ارتش و سپاه از چهار محور به اجرا درآمد که دارخوین و فیاضیه از محورهای اصلی این عملیات بودند. در این عملیات هشت گردان پیاده و هفت گردان توپخانه از لشکر ۷۷ ارتش و ۱۲ گردان پیاده از سپاه حضور داشتند. منطقه عملیات ثامن الائمه (ع) در شرق رودخانه کارون و در حدفاصل شمال شهر آبادان و جنوب منطقه دارخوین قرار داشت و شامل سرپل ارتش عراق به وسعت ۱۵۰ تا ۱۸۰ کیلومتر مربع می‌شد که در اشغال نیروهای عراقی بود (درودیان، ۱۳۹۱: ۱۵۵) ثامن الائمه مجموعاً ۵۵ ساعت به طول انجامید و در پایان آن رزمندگان توانستند شهر آبادان را پس از ۳۴۹ روز از محاصره ارتش بعثی عراق در آورند. در این عملیات مجموعاً ۱۳۰ تا ۱۵۰ کیلومتر از خاک ایران آزاد شد. در این عملیات، حدود سه هزار نفر از نیروهای دشمن زخمی و کشته شدند و حدود ۱۸۰۰ نفر به اسارت درآمدند. ۹۰ دستگاه تانک و نفربر به همراه ۱۵۰ دستگاه خودرو به غنیمت گرفته شد و سه فروند هواپیما و یک فروند هلی کوپتر منهدم شد. با غنیمت گرفته شدن ۲۰ توپ ۱۲۲ و ۱۵۲ میلی متری از عراق، نخستین یگان توپخانه سپاه نیز شکل گرفت و در عملیات طریق القدس شرکت کرد (رشید، ۱۳۹۱: ۴۶).

عملیات طریق القدس

با انتصاب محسن رضایی به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تحول اساسی در دستور کار سپاه قرار گرفت و مقرر شد برای جنگیدن با ارتش عراق و بیرون راندن آنها از خاک ایران، اقدامات تازه‌ای انجام بشود. از جمله این اقدامات: تشکیل تیپ‌های سپاه، تشکیل گروه طرح ریزی سپاه برای برنامه ریزی عملیات‌ها با هویت مستقل و مشخص سپاه، طراحی زنجیره‌ای از عملیات‌ها به منظور بیرون راندن ارتش عراق از ایران و تعیین راهبرد عملیات نظامی با هدف پایان دادن به اشغال سرزمین‌های ایران بود. همچنین با فعال شدن فرماندهان جدید سپاه و ارتش در جنوب، قرارگاه عملیاتی مشترک کربلا متشکل از بخش‌های عملیات، اطلاعات، مهندسی، مخابرات و ... شکل گرفت.

طریق القدس نخستین پازل از استراتژی جدید تحت عنوان مجموعه عملیات‌های کربلا بود. در آن زمان تصور می‌شد که با اجرای حدود ۱۲ عملیات می‌توان قوای ارتش بعثی را از خاک ایران بیرون راند. بنابراین عنوان سلسله عملیات‌های کربلای یک تا دوازده را برای طرح انتخاب کردند (علایی، ۱۳۹۱: ۳۶۱).

عملیات طریق القدس در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز هشتم آذر ماه سال ۱۳۶۰ آغاز شد. در پایان این عملیات شهر بستان پس از ۴۲۷ روز اشغال، آزاد گردید و رزمندگان ایرانی توانستند ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را آزاد کنند. البته در ۲۲ روز عملیات طریق القدس، ۷۰۰ نفر از نیروهای ایرانی به شهادت رسیدند. غنائم زیادی از جمله ۱۹ عراده توپ ۱۵۲ میلی متری، ۱۷۰ تانک و نفربر، ۷۰ قبضه توپ ضد هوایی ۲۳ و ۱۴ میلی متری و ۲۵۰ خودرو به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این تعداد زیادی از ماشین‌های جنگی عراق منهدم شد. همچنین دو فروند هواپیمای اف ۱۴ از نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شد (رشید، ۱۳۹۱: ۴۷).

عملیات فتح المبین

در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دوم فروردین ماه عملیات فتح المبین از چهار محور و با چهار قرارگاه مشترک قدس، نصر، فجر و فتح با هدف آزادسازی منطقه غرب رودخانه کرخه و جاده درفول - دهلران و تأمین اندیمشک، شوش، دزفول و جاده اندیمشک - اهواز در چهار مرحله آغاز شد. مرحله اول عملیات مصادف شد با آزاد شدن تنگه عین خوش به وسیله تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی شهید حسین خرازی. در مرحله دوم، تنگه رقابیه مسدود شد، یگان‌های خودی با استفاده از کانالی که در زمین‌های رملی در انتهای میش داغ احداث شده بود، تنگه رقابیه را دور زدند و دشمن را از پشت محاصره کردند (همان، ۴۱۵). عراقی‌ها نیز نتوانستند معبری برای نجات خویش باز کنند. در مرحله سوم تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) سپاه توانست سایت‌های ۴ و ۵ را به اشغال خود دریاورد. در مرحله چهارم رزمندگان ایرانی مناطق آزادسازی شده را پاکسازی کردند و در تعقیب نیروهای عراقی، شرق رودخانه دوبرج را به تصرف درآوردند. در این عملیات در مجموع ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده در ایران توسط ارتش عراق آزاد شد و زمینه مناسبی را برای عملیات نهایی، یعنی عملیات بیت المقدس آماده کرد.

عملیات بیت المقدس (کلید خوردن طرح استراتژی نظامی برون مرزی ایران)

از اواسط عملیات فتح المبین که دومین عملیات از سلسله عملیات‌های کربلا به منظور آزادسازی مناطق اشغالی به شمار می‌رفت موضوع گذشتن نیروهای ایرانی از مرز بین‌المللی و رسیدن آنها به خاک عراق مطرح بود.

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین گروه طرح ریزی سپاه و ارتش عملاً طرح ریزی عملیات بیت المقدس را آغاز کرد. آن‌ها به صورت جداگانه در بیست روز طرح‌های خود را آماده و در قرارگاه مرکزی کربلا در حضور فرمانده سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش به

بیان جزئیات آن پرداختند. با توجه به شکل جغرافیایی زمین مورد نظر برای عملیات و نیز نحوه آرایش نیروهای عراقی، دو راهکار مقدماتی و اصولی در جلسات هم‌اندیشی و نشست طرح ریزی مشترک به شرح ذیل ارائه گردید. یکی حمله از جاده اهواز - خرمشهر و دیگری عبور عمده نیروها از رودخانه کارون (علایی، ۱۳۹۱: ۴۳۱). راهکار دوم که به عنوان هجوم انبوه نیز از یاد می‌کنند به عنوان راهکار عملیاتی ایران در عملیات چهارم انتخاب شد. منطقه عمومی جنوب غربی اهواز و رودخانه کارون، در میان چهار مانع طبیعی قرار دارد که ترتیب از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروندرود، از شرق به رودخانه کارون و از غرب هورالهویزه و شط العرب منتهی می‌شد. این منطقه به شکل مستطیل شکل بود که برای هر دو کشور عراق و ایران دارای اهمیت استراتژیکی بود. ارتش عراق با عکس برداری توسط هواپیماهای میگ ۲۵ و کمک‌های اطلاعاتی آمریکا توانسته بود کانون اصلی خطر را حدس بزند. آن‌ها مجموعاً ۱۰ تیپ زرهی، ۵ تیپ مکانیزه، ۱۷ تیپ پیاده، ۷ گردان کماندویی و نیز واحدهایی از ارتش خلقی را در عملیات بیت المقدس بکار گرفتند. نیروهای ایرانی به وسیله سه قرارگاه قدس، فتح و نصر از سه محور در ساعت ۳ بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ حمله خود را در چهار مرحله آغاز کرد. در مرحله اول عملیات نیروهای ایرانی به وسیله قرارگاههای نصر و فتح توانستند سرپلی به وسعت ۸۰۰ کیلومتر را به تصرف در آورند. عراق در پایان مرحله اول پاتک خود را به نیروهای ایرانی آغاز کرد ولی مقاومت نیروهای ایرانی باعث شد نقطه سرپل حفظ بشود.

در مرحله دوم عملیات محاصره خرمشهر انجام شد. منطقه بین کوشک و ایستگاه حسینیه که منطقه عمومی مرحله دوم عملیات به شمار می‌رفت، قلب عملیات بیت المقدس بود. مرحله سوم عملیات تصرف خرمشهر و در مرحله چهارم عبور از مرز پیش بینی شده بود. به دلیل سرعت مرحله دوم عملیات و عقب نشینی نیروهای عراقی، مرحله سوم عملیات به سرعت آغاز گردید اما با مقاومت شدید نیروهای عراق مواجه شد. عراق به مواضع ایران حمله کرد و مانع از حملات قوای ایرانی به خرمشهر شد. این درگیری‌ها باعث گردید طرحی جدید از طرف قرارگاه مرکزی کربلا به یگان‌های عمل‌کننده ابلاغ بشود تا بتوانند خرمشهر را تصرف

کنند. ارتش عراق تلاش‌های زیادی برای حفظ خرمشهر کرد اما نتوانست این شهر را حفظ کند و نیروهای ایرانی توانستند در ساعت ده صبح روز سوم خرداد از شمال غرب وارد خرمشهر بشوند و تا غروب آن ۱۲۰۰۰ نفر را به اسارت بگیرند. در عملیات بیت المقدس شهرهای خرمشهر، هویزه، پادگان حمید و بخش وسیعی از خاک ایران به وسعت تقریبی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. حدود بیست هزار نفر از نیروهای عراقی به اسارت گرفته شده و حدود ۱۶۰۰۰ نفر از نظامیان ارتش بعثی کشته و زخمی شدند. ۴۱۸ تانک و نفربر و همچنین ۳ بالگرد و ۲۰ هواپیمای ارتش عراق منهدم شد. حدود ۷۰۰۰ نفر از نیروهای ایرانی نیز شهید شدند (درودیان، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

حملات مجدد عراق پس از عملیات بیت المقدس به مواضع ایران

ارتش عراق در جریان عملیات بیت المقدس حملات هوایی را بر علیه مردم ایران انجام داد. آن‌ها در روزهای یکم و پانزدهم خرداد ماه حملات هوایی را انجام دادند. سپس حمله‌ای به جزیره خارک با هدف کاهش درآمدهای نفتی ایران در دستور کار نیروی هوایی ارتش عراق قرار گرفت. نخستین جنگ نفتکش‌ها در این روز اتفاق افتاد و حمله عراق باعث شد که نفت کش ترکیه‌ای آسیب ببیند. این حادثه در تاریخ ۹ خرداد ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد. سپس در ۱۶ خرداد ماه یک کشتی سوخت رسان ۲۶ هزار تنی یونانی به اسم گودلاک^۱ در نزدیکی بندر امام خمینی نیز مورد اصابت موشک‌های عراق قرار گرفت (علایی، ۱۳۹۱: ۴۷۹).

1. Good Luck

طرح عبور از مرز

همان‌گونه که اشاره شد، ایده عبور از مرز در اواسط عملیات فتح‌المبین (فروردین ۱۳۶۱) مطرح گردید و پس از ۱۷ روز از پیروزی باشکوه بیت‌المقدس، در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ با تأیید نهایی امام خمینی (ره) مصوبه قطعی یافت.

برنامه اولیه برای مرحله چهارم عملیات بیت‌المقدس، عبور از مرز و استقرار در ساحل شرقی اروندرود (شط‌العرب) جهت ایجاد یک خط دفاعی مستحکم بود. اگرچه ارتش عراق با عقب‌نشینی تاکتیکی از کرخه‌کور، خط تماس را کاهش داد و مانع اجرای کامل طرح احاطه دورانی شد، اما روحیه جهادی نیروهای ایرانی چنان بالا بود که حتی بدون دستور رسمی صریح مبنی بر عبور از مرز (به دلیل خستگی ناشی از نبردهای طولانی)، عملیات تا حد زیادی ادامه یافت و عملاً مقدمه‌ای برای عملیات رمضان شد.

پس از آزادسازی خرمشهر، اگرچه ۸۵ درصد از اراضی اشغال شده بازپس گرفته شده بود، اما هنوز هزاران کیلومتر مربع از خاک ایران (از جمله ارتفاعات حمیرین، نفت‌شهر و سومار) در تصرف دشمن بود. شورای عالی دفاع سه گزینه پیش روی خود دید: ۱. پذیرش آتش‌بس و مذاکره، ۲. توقف جنگ در مرزها و فشار برای خروج کامل، و ۳. ورود به خاک عراق برای تحمیل شرایط سیاسی و نظامی (علایی، ۱۳۹۱: ۴۹۸).

در فضای بین‌المللی، قدرت رو به رشد ایران باعث نگرانی غرب شد. هیئت‌های میانجی مانند سازمان کنفرانس اسلامی پیشنهاد ملاقات امام خامنه‌ای با صدام یا اعزام ایشان به حج را دادند که توسط شورای عالی دفاع رد شد، زیرا ایران معتقد بود صلح بدون خروج متجاوز و پرداخت غرامت، به معنای تأیید تجاوز است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۹۹).

در جلسه سرنوشت‌ساز شورای عالی دفاع در عصر ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ استدلال‌های کلیدی فرماندهان نظامی و سیاسی منجر مطرح شد. در این جلسه بیان شد که بدون داشتن اهرم فشار در خاک عراق، نمی‌توان حقوق ایران را پس گرفت. هشدار نسبت به اینکه

توقف در مرز، امنیت شهرهای مرزی (خرمشهر و آبادان) را تهدید می‌کند، زیرا عراق می‌تواند از آن سوی مرز به این شهرها شلیک کند و به علاوه ارائه تحلیل فنی که استقرار در نیمه دوم اروند رود، فاصله تا بصره را به ۵۰۰ متر کاهش داده و توازن وحشت ایجاد می‌کند؛ به طوری که هرگونه تجاوز عراق پاسخ سریع به مراکز حیاتی او را در پی خواهد داشت. با شنیدن این دلایل استراتژیک و امنیتی، امام خمینی (ره) با قید دو شرط اخلاقی و انسانی موافقت کردند: ۱. ورود به منطقه‌ای که ارزش استراتژیک داشته باشد، و ۲. منطقه‌ای که ساکن غیرنظامی نداشته باشد تا آسیبی به مردم عراق وارد نشود. بدین ترتیب، استراتژی «برتری در معادلات جنگ» با سه اصل انهداش ماشین جنگی دشمن، تصرف نقاط استراتژیک و وادار کردن نظام بین‌المللی به تمکین، تصویب شد.

در نهایت واکنش جهانی و عقب‌نشینی تاکتیکی عراق پیروزی بیت‌المقدس موازنه قدرت را برهم زد. آمریکا که از تئوری «جنگ بدون برنده» پیروی می‌کرد، از قدرتمند شدن ایران هراس داشت. صدام حسین که احساس می‌کرد توانایی حفظ اشغالگری را ندارد، در ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ اعلام آتش‌بس یک‌طرفه کرد و وعاد خروج نیروها را در عرض دو هفته داد. دلایل داخلی عراق برای این عقب‌نشینی عبارت بودند از:

طولانی بودن خطوط تدارکاتی در خاک ایران و خطر انزوای یگان‌ها.

افت روحیه سربازان عراقی نسبت به سربازان مدافع سرزمین خود.

آشنایی کامل نیروهای ایرانی با جغرافیای مرزی و استفاده از آن به عنوان مزیت تاکتیکی (درودیان، ۱۳۹۱: ۲۰). تحلیلگران دیگری مانند لطف‌الله زادگان نیز ناتوانی عراق در حفظ برتری نظامی و تلاش ایران برای تحمیل شرایط سیاسی جدید را عوامل اصلی این عقب‌نشینی دانسته‌اند (لطف‌الله زادگان، ۱۳۸۹: ۲۹). اگرچه عراق در ۲۲ خرداد از برخی مناطق عقب‌نشینی کرد، اما همچنان در حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران (شامل ارتفاعات حساس و چاه‌های نفت بیات) حضور داشت و در موقعیت‌های پدافندی مستقر شده بود.

شرایط نهایی جمهوری اسلامی ایران در خطابه‌ای تاریخی در ۲۲ خرداد ۱۳۶۱، امام خمینی (ره) با لحنی قاطع به فرماندهان فرمودند: «صدام باید بدون قید و شرط از خاک ما خارج شود... اگر بیرون نرود، بیرونش می‌کنیم.» ایشان بر دو محور تأکید کردند: خروج کامل و فوری: بدون هیچ‌گونه ترفند یا تأخیر. جبران خسارات: ارزیابی دقیق خسارات مادی، سیاسی و معنوی وارده و تعیین مجرمان جنگی (علایی، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

در پی این سخنان، ایران دو شرط اضافی نیز به لیست مطالبات خود افزود: تأمین مسیر تردد نیروهای ایرانی به لبنان برای حمایت از مقاومت. بازگشت آوارگان عراقی مقیم در ایران به کشورشان.

با این حال، صدام حسین در ۳۰ خرداد تنها وعاد خروج تدریجی را داد و نیروهایش را در ارتفاعات استراتژیک و نقاط گلوگاهی (مانند شلمچه، طلایه، فکه و ارتفاعات حمیرین) مستقر نگه داشتند تا همچنان اهرم فشار خود را حفظ کنند و ۱۴ حلقه از ۱۸ حلقه چاه نفت بیات را در اختیار بگیرند.

نتیجه گیری

فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ را باید نقطه پایان مرحله نخست جنگ ایران و عراق و آغاز مرحله دوم آن دانست؛ مرحله‌ای که در آن جمهوری اسلامی ایران از موقعیت دفاعی - بازپس‌گیرانه به موقعیت تصمیم‌گیری راهبردی درباره آینده جنگ منتقل شد. اگر تا پیش از این مقطع، هدف اصلی ایران آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و تثبیت تمامیت ارضی بود، پس از فتح خرمشهر پرسش اصلی به چگونگی تبدیل پیروزی نظامی به دستاورد سیاسی پایدار تغییر یافت.

در مرحله اول جنگ (شهریور ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۱)، استراتژی ایران ماهیتی تدافعی - ترمیمی داشت. به معنای تلاش برای جلوگیری از پیشروی بیشتر دشمن، شکستن محاصره‌ها (مانند آبادان)، آزادسازی مناطق اشغالی و بازگرداندن خطوط تماس به مرزهای بین‌المللی. عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس در همین چارچوب قابل تحلیل‌اند. این عملیات‌ها یک زنجیره پیوسته بودند که به تدریج توازن میدانی را تغییر دادند. اما پس از آزادسازی حدود ۸۵ درصد از مناطق اشغالی و عقب‌نشینی عراق تا مرز، جنگ وارد مرحله‌ای کیفی شد. اکنون دیگر سؤال این نبود که چگونه خاک ایران آزاد شود، بلکه این بود که چگونه از تکرار تجاوز جلوگیری گردد و چه سازوکاری مانع بازسازی قدرت تهاجمی عراق شود. در اینجا جنگ از سطح «بازپس‌گیری» به سطح «تعیین تکلیف راهبردی» ارتقا یافت.

پس از فتح خرمشهر، فشارهای دیپلماتیک برای پایان جنگ افزایش یافت. شورای امنیت و میانجی‌گران منطقه‌ای خواستار آتش‌بس فوری شدند. اما چند واقعیت اساسی وجود داشت. اولاً، قطعنامه‌های صادره، به‌ویژه قطعنامه ۴۷۹، هیچ اشاره‌ای به تعیین متجاوز نداشتند. همچنین مکانیزم مشخصی برای پرداخت غرامت پیش‌بینی نشده بود و هیچ ضمانتی برای اجرای کامل معاهده ۱۹۷۵ الجزایر وجود نداشت. در نهایت، ارتش عراق همچنان از حمایت مالی و تسلیحاتی گسترده برخوردار بود. از منظر تصمیم‌گیران ایرانی، پذیرش آتش‌بس در

چنین شرایطی به معنای تثبیت یک جنگ ناتمام بود. عراق می‌توانست بدون پرداخت هزینه سیاسی و حقوقی، بازسازی شود و در زمان مناسب دوباره تهدید ایجاد کند. در نتیجه، ادامه جنگ نه صرفاً یک انتخاب احساسی، بلکه یک محاسبه راهبردی تلقی شد. به معنای ایجاد برتری قطعی در موازنه جنگ به گونه‌ای که عراق ناگزیر به پذیرش شروط ایران شود.

بدین ترتیب، استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر بر سه پایه استوار شد:

الف) ایجاد برتری میدانی پایدار: ایران به این جمع‌بندی رسید که صرف عقب‌راندن دشمن کافی نیست. باید مراکز ثقل نظامی عراق، به‌ویژه در جبهه جنوب (بصره)، تحت فشار مستقیم قرار گیرد تا توان تهاجمی بغداد از بین برود.

ب) انتقال جنگ به خاک عراق: عبور از مرز و اجرای عملیات رمضان در تیر ۱۳۶۱، نخستین نمود عملی این تصمیم بود. انتقال جنگ به خاک عراق دارای پیامدهای چندگانه بود: شکستن روحیه دفاعی دشمن، تغییر تصویر جنگ در سطح منطقه‌ای، افزایش قدرت چانه‌زنی سیاسی ایران

ج) تبدیل پیروزی نظامی به امتیاز سیاسی: هدف نهایی، تحمیل شرایطی بود که شامل: شناسایی رسمی عراق به عنوان متجاوز، پرداخت غرامت، بازگشت کامل اسرا و اجرای قطعی معاهده ۱۹۷۵ باشد. این اهداف نشان می‌دهد که ادامه جنگ، از نگاه ایران، وسیله‌ای برای تحقق یک صلح عادلانه تلقی می‌شد، نه هدفی مستقل.

در چنین شرایطی، تصمیم به ادامه جنگ از منظر بخشی از نخبگان سیاسی و نظامی، منطقی و مبتنی بر ملاحظات امنیتی بلندمدت ارزیابی می‌شد.

در کل باید گفت، یکی از مهم‌ترین درس‌های فتح خرمشهر، مسئله نسبت میان پیروزی نظامی و هدف سیاسی است. در نظریه‌های کلاسیک جنگ (به‌ویژه در اندیشه کلاوزویتس)، جنگ ادامه سیاست با ابزارهای دیگر است. پیروزی نظامی زمانی معنا پیدا می‌کند که به تحقق هدف سیاسی بینجامد.

با در نظر گرفتن همه متغیرها، می‌توان گفت استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر مبتنی بر سه گزاره کلیدی بود: صلح بدون تضمین، امنیت پایدار ایجاد نمی‌کند. برتری میدانی شرط لازم

برای تحمیل شرایط سیاسی است. و جلوگیری از تکرار تجاوز، مستلزم تضعیف توان تهاجمی عراق است. در این چارچوب، عملیات رمضان و تداوم جنگ، بخشی از یک منطق راهبردی محسوب می‌شد که هدف آن پایان دادن به جنگ از موضع قدرت بود. در نهایت می‌توان گفت، فتح خرمشهر را نمی‌توان صرفاً یک واقعه نظامی دانست؛ این رویداد لحظه گذار از دفاع به تصمیم‌گیری راهبردی درباره آینده جنگ بود. جمهوری اسلامی ایران در این مقطع با یک انتخاب تاریخی مواجه شد: پذیرش آتش‌بس بدون تضمین یا ادامه جنگ برای تغییر موازنه سیاسی. انتخاب مسیر دوم، آغازگر مرحله‌ای شد که جنگ را از فاز آزادسازی به فاز برون‌مرزی منتقل کرد. استراتژی پس از فتح خرمشهر تلاشی بود برای تبدیل پیروزی میدانی به دستاورد حقوقی و سیاسی. این استراتژی بر مبنای تجربه سال اول جنگ، بی‌اعتمادی به سازوکارهای بین‌المللی، ضرورت بازدارندگی در برابر عراق و تلاش برای جلوگیری از تکرار تجاوز شکل گرفت.

منابع

- ۱) اردستانی، حجر (۱۳۹۲)، دفاع مقدس در بیانات امام خمینی (ره) چستی و چرایی جنگ تحمیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرز و بوم.
- ۲) ازغندی، علیرضا؛ روشندل، جلیل (۱۳۸۸)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، چاپ دهم، تهران: سمت
- ۳) آقای، سید داوود (۱۳۹۰)، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سرای عدالت
- ۴) انصاری، مهدی؛ نخعی، هادی؛ درودیان، محمد (۱۳۹۰)، خرمشهر در جنگ طولانی، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۵) بشیری، عباس (۱۳۸۹)، انقلاب در بحران کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹ هاشمی رفسنجانی، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب
- ۶) پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۷)، ما و عراق از گذشته تا کنون، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۷) حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۹۲)، جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات صفحه جدید
- ۸) حبیبی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، خرمشهر در جنگ، چاپ ششم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۹) حبیبی، ابولقاسم (۱۳۹۳)، اطلس خوزستان در جنگ ایران و عراق، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
- ۱۰) خرمی، محمد علی (۱۳۸۷)، جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۱) درودیان، محمد (۱۳۸۲)، علل تداوم جنگ، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

- ۱۲) درودیان، محمد (۱۳۸۷)، گزینه‌های راهبردی جنگ، چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۳) درودیان، محمد (۱۳۹۰)، روند پایان جنگ، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۴) درودیان، محمد (۱۳۹۲)، خرمشهر تا فاو، چاپ یازدهم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۵) درودیان، محمد (۱۳۹۳)، سیری در جنگ ایران و عراق از آغاز تا پایان، چاپ بیستم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۶) دری، حسین (۱۳۹۰)، جنگ ایران و عراق ریشه‌ها و علل وقوع، چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ
- ۱۷) دهقان، احمد (۱۳۹۳)، ناگفته‌های جنگ: خاطرات سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سوره مهر
- ۱۸) رشید، محسن (۱۳۹۱)، اطلس جنگ ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۹) علایی، حسین (۱۳۹۱)، روند جنگ ایران و عراق جلد دو، چاپ اول، تهران: نشر مرز و بوم
- ۲۰) کمالی، منصور (۱۳۹۲)، جنگ ایران و عراق، شورای عالی دفاع به روایت مطبوعات، چاپ اول، تهران: انتشارات صفحه جدید
- ۲۱) لطف الله زادگان، علیرضا (۱۳۸۹)، روز شمار جنگ ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۲۲) هاشمی، یاسر (۱۳۸۶)، عبور از بحران کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۰، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب

